



فقط شهلا جاهد قربانی نیست

سخن سردبیر

هنگام نوشتن این سطور دو هفته ای از قتل شهلا جاهد میگذرد. اگر لحظه ای تامل کنیم و به اطراف بنگریم درمیابیم که در وجدان بیدار هر انسانی شهلا هنوز از یاد نرفته است.

سوال این است که چرا؟ دارم به این فکر میکنم که چگونه یک متهم به قتل در جامعه ای مانند ایران میتواند به یک سمبل تبدیل شود. دارم فکر میکنم که آیا شهلا قاتل بود یا قربانی و یا فقط زنی بود که رابطه با مردی زندار داشت؟ چگونه فکر میکرد و چگونه عاشق شده بود و کدامین خطاها را مرتکب شده بود؟ در بحبوحه چنین کشمکش در درونم، همراه هزاران هزار انسان دیگر ناگهان خبر میرسد که سکنه آزاد شد و هنوز در ناباوری هستم، که خبر تکذیب میشود. از شوک بیرون می آیم و به خود میگویم که نزدیک بود به دام بیفتی و باور کنی که در جمهوری اسلامی هم غیرممکن ممکن می شود. سکنه هم همان سرنوشت را دارد. مهم به کشتن شوهرش و انتخاب آزاد رابطه جنسی با کس دیگری است.

پرونده شهلا جاهد بسته نیست

وسیع و همه جانبه صحبت از حقوق زنان در ایران و مبارزه برای برابری به الفاظی عادی بدل شده باشد. اگر این یک واقعیت باشد اما حقیقت تلخ این است که در پس این کلمات جامعه ای قرار دارد که نصف دنیاله در صفحه بعد

اما در پشت هر پرونده ای و بر پیشانی هر زنی که اقدام به قتل همسر و دوست پسرش میکند، نشانه های یک جامعه بیمار نقش بسته است. جامعه ای که در آن زنان در بیشترین بی حقوقی بسر می برند. شاید امروز به لطف یک مبارزه

این لیست طولانی است. شوهرکشی در ایران امروز به پدیده ای روزمره تبدیل شده است. بررسی این پدیده شاید برای علاقمندان به علوم دانشگاهی و محققین در ایران و جهان میتواند ادامه کاری چند ساله را برایشان تامین کند.

برای تغییر جهان متحد شوید!

فقط شهلا جاهد قربانی نیست

است.

سوال دیگری که مطرح میشود این است که آیا تنها شهلا جاهد قربانی این ماجرا شد؟ به نظر میرسد که قربانیان مستقیم این پرونده بسیار بیشتر از این هستند. کسی که طناب را به گردن شهلا جاهد می اندازد فرزند ناصر است، کسی که تمام پرونده شهلا جاهد حول وی میچرخد. نمیدانم این فرزند چند ساله است. ولی هر سنی داشته باشد بدون شک علیرغم نفرتی که تمام وجودش را گرفته است تمام عمرش به خود بعنوان یک مجرم نگاه خواهد کرد. بدون شک چهره شهلا را هرگز از یاد نخواهد برد. آیا این یک جامعه مریض و یک حکومت ضد انسان و کثیف نیست که میخواد همه را به همدستان خود تبدیل کند.

شهلا جاهد آخرین نفر نیست. قربانیان حکومت جهل و خرافه و اسلام سیاسی تک تک افراد جامعه ایران هستند. راه حل رهایی از این وضعیت تنها متحد شدن برای یک دنیای برابر و انسانی و مبارزه علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی و براندازی آن است. ■

پروین کابلی

با فرض بر اینکه داروی رتروویروسی (ضد ایدز) در اختیار همه مبتلایان جهان قرار بگیرد و بشر قادر شود میزان مرگ و میر بیماران را به مقادیر زیادی کاهش دهد، هیچ تضمینی جهت جلوگیری از شیوع ویروس اچ آی وی وجود ندارد. مصرف این دارو فقط جلوی پیشرفت بیماری را به مرحلهٔ موسوم به ایدز می گیرد و گاهی امکان یک زندگی نسبتاً عادی و درازمدت تری را برای مبتلایان فراهم می کند.

علاوه بر نوزدانی که قبل یا لحظه تولد مبتلا شده و یا بوسیله شیر مادر مبتلا می شوند، هر ساله ۵ میلیون جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله به جمع مبتلایان افزوده می شود.

به هر رو مدیای نان به نرخ **دنباله در صفحه بعد**



باید یادآور شد که بعضی از کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی و جنوبی نیز از این گروه هستند. بطور مثال کشور مالی به تنهایی بیش از ۴۰۰ هزار مبتلا به ایدز را در خود جا داده است. در اندونزی این رقم به بیش از ۱۸۰ هزار و در پاکستان در حدود ۱۵۰ هزار نفر است. در هندوستان بیش از ۵ میلیون نفر مبتلا به این ویروس هستند. در ایران تعداد مبتلایان ۶۱ هزار نفر ارزیابی شده است در صورتیکه آمار دولتی یک سوم واقعیت است.

اما این همه تصویر نیست

فقط در سال ۲۰۰۹ بیش از ۳۷۰ هزار کودک قبل از به دنیا آمدن به این بیماری مبتلا شده بودند! فقط ۱۰ درصد از زنان باردار می توانند از امکان خدماتی که از انتقال اچ آی وی به کودکانشان جلوگیری کند، دسترسی داشته باشند.

هر دقیقهٔ هر روز، یک کودک زیر ۱۵ سال به خاطر ایدز می میرند و فقط ۵ درصد از کودکان مبتلا، امکان دسترسی به درمان رتروویروسی (ضد ایدز) را دارند.

شهروندان آن، علیرغم زیستنشان در دورانی مدرن، با ترازوی قرون وسطا سنجیده شده و محک زده میشوند. این تفاوت عظیم میان آگاهی به وضعیت خود و زیستن در چنین دوگانگی، زنان ایران را به یکی از پر تحول ترین گروههای اجتماعی در جهان امروز تبدیل نموده است. آگاهی به موقعیت خود و اعتراض بر علیه وضعیت موجود، امروز وسیله و حربه تیزی است که زنان بر علیه کلیت نظام به عنوان یک شیوه مبارزه آگاهانه و یا ناآگاهانه به آن دست برده اند. نگاهی به نوع جرائمی که زنان مرتکب میشوند و قوانین شریعت در تقابل آشکار با این جرائم فاصله انتخاب نوع زیستن و رویگردانی از قوانین را به خوبی نشان میدهد. علیرغم اینکه از همان ابتدای سرکار آمدن جمهوری اسلامی سنگسار به عنوان یکی از وحشیانه ترین نوع مجازات اعمال گردیده است اما رابطه جنسی خارج از ازدواج امروز پدیده ای رو به رشد است و در گروههای مختلف اجتماعی پذیرفته شده

مقابله، مبارزه یا ریشه کن کردن ایدز



میلیون و تعداد مرگ و میرها ۳۰ میلیون بوده است. سال گذشته ۲,۶ میلیون نفر در جهان به ویروس ایدز دچار شده اند. این میزان نسبت به سال ۱۹۹۹ که اوج ابتلا به این ویروس بود نزدیک به ۲۰ درصد کاهش یافته است. در همین گزارش آمده است میزان افراد تحت درمان با استفاده از داروهای ضد ایدز از سال ۲۰۰۴ از ۷۰۰ هزار نفر به بیش از ۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ رسیده است.

این آمار محصول شناخت دقیقتر چگونگی عملکرد این ویروس و تولید انواع داروهای است که پروسه پیشرفت این بیماری را طولانی تر یا متوقف می کند. پیروزی بشریت و بهره مند شدن از این دستاورد علمی تحولی عظیم در زندگی انسان قرن حاضر می باشد اما مواهب آن پیروزی شامل سرزمینهای فقرزده و مذهب زده نیست.

عدم دسترسی به این داور در بعضی از کشورهای آفریقا که آلوده ترین منطقه جهان از لحاظ ابتلا به ایدز است، باعث شده که آمار مرگ میر سیر سعودی داشته باشد. در ضمن

اول دسامبر سالگرد روز جهانی مبارزه با بیماری ایدز بود. در بسیاری از نقاط جهان مسئولین مربوطه بوق و کرنا برداشته و دم از یک مبارزهٔ "جهانی" زدند. هیچ کس اما از ریشه کن کردن این اپیدمی صحبت نکرد!

امسال آمار منتشر شده توسط سازمان ملل متحد حاکی از کاهش مرگ و میرها بر اثر ابتلا به ویروس اچ آی وی بود. بر اساس اسن آمار تعداد مرگ و میرهای مربوط به ایدز، فقط در سال ۲۰۰۹ در کل جهان ۱,۸ میلیون نفر تخمین زده شده است. تعداد کل مبتلایان به ایدز از سال ۱۹۸۰ تا به امروز ۶۰

حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

خور جهان تلاش می کند، روز اول دسامبر را بعنوان روزی تعیین کننده در سرنوشت میلیونها انسان مبتلا به ویروس اچ آی وی ارزیابی کند. دریغ از یک روزنامه نگار مسئول که نقدی جدی به مناسبات سرمایه داری، جامعه علمی را وادار به اعتراف به امکان پذیر بودن کشف درمان قطعی ایدز کند.

طبیعی است که این نوشته نه قصد پرداختن به همه جوانب این معضل جهانی را دارد و نه توان آن را. اما اشاره به بعضی از آنها لااقل می تواند زمینه دامن زدن به بحثهای بعدی را فراهم می کند.

نظریه چپ معطوف به جنبه های پزشکی است و معتقد است که نباید هیچ انسانی به ویروس اچ آی وی مبتلا شود. از این رو تلاش می کند در مقابل حفظ و اشاعه اخلاقیات مذهبی، فقر، صنعت اعتیاد،

پدوفیلیسم، ازدواج کودکان، صنعت قاچاق و فروش انسان و انحصاری کردن روشهای درمانی، ایستادگی و مبارزه کند تا بدینوسیله بشود از شیوع هر چه بیشتر این بیماری جلوگیری کرد. در عین حال تلاش می کنند تا هر چه سریعتر بیشترین کمکهای مالی به کشورهای فقرزده صورت بگیرد تا آنها بتوانند در توانایی سازماندهی خدمات بهداشتی و جلوگیری از مرگ و میر و شیوع بیشتر این معضل اقدام کنند.

اما نظریه راست جامعه جهانی بعضاً مبنی بر انکار و پنهانکاری و اشاره به مسائل اخلاقی و بهبود آن دارد. آنها با پافشاری به حفظ نهاد خانواده متشکل از مرد و زن، جلوگیری از سقط جنین و مخالفت با راههای جلوگیری از بارداری، تلاش می کنند تا به زم خود جلوی "بی بند وباری

جنسی" را بگیرند و مشوق عدم روابط جنسی قبل از ازدواج باشند. جناح راست معتقد است که کمک به کشورهای فقیر بایستی بر اساس پیشنهاد و امهای مشخص جهت بازسازی بخش خصوصی و باز کردن دروازه های اقتصادشان به تجارت جهانی باشد.

در نتیجه تفاوت در دیدگاههای موجود ما شاهد تأثیرات و تغییرات قابل ملاحظه ای در تعیین سیاستها و یک همبستگی جهانی جهت پیشگیری و درمان این بیماری نیستیم. این دیدگاهها علیرغم تفاوتشان نه بر اساس نیازهای اکثریت مردم مبتلا به این بیماری، بلکه بر اساس ایجاد قلمرو تازه ای برای گردش

سرمایه است.
چه باید کرد؟

اکنون قدرت علمی بشر قادر است راه واقعی پیشگیری از ابتلا و گسترش این بیماری را پیدا کند. از نظر من تهیه واکس ایدز تنها راه پیشگیری و تهیه و توزیع داروهای لازم توسط سازمان جهانی بهداشت، تنها راه متوقف کردن ویروس در سراسر جهان است.

شهلا نوری

۴ دسامبر ۲۰۱۰

STOP AIDS

عنوان یک حق طبیعی انسانهای فراری از کشورهای اختناق زده و جهان سومی، دستخوش تغییرات اساسی شد. در این دوره ما شاهد یورش عنان گسیخته دولتهای غربی به کل دست آوردهای تاکنونی بشر بودیم که تعرض به حقوق پناهندگی نیز یکی از آنها است. آنها با وقاحت تمام در تبلیغاتهای انتخاباتیشان، در روزنامه و تلویزیونها و کل بنگاه های تبلیغاتیشان اعلام میکنند که نیاز بازارهای سرمایه داری به پناهجویان و مهاجرین دیگر موضوعیت ندارد و تمام معنای "دمکراسی و انسانیت سرمایه داری" را بی پرده عیان میکنند. بنابر آمارها، اعطای حقوق پناهندگی و بهره مندی پناهندگان از خدمات اجتماعی در تمامی کشورهای پناهنده پذیر، مورد تعرض جدی قرار گرفته است. صدها کودک پناهجو در بازداشتگاه های امور مهاجرت کشورها بسر میبرند. تنها در ۱۸ ماه گذشته بیش از هفتاد پناهجو در حین بازگرداندن به کشورهایشان جانشان را از دست داده اند. وضعیت در

کشورهای هم مرز با ایران

دنباله در صفحه بعد



نیستند، نتیجه مستقیم سیاستهای غیر انسانی دولتها و بازارهای غربی جهت سودآوری بیشتر سرمایه است که منجر به کنترل شدید مسیرهای عبور پناهجویان و به وقوع پیوستن اینچنین تراژدی های هولناکی میشود. سیاست کنترل مرگبار مسیرهای ورود به اروپا، در دوران بحران سرمایه داری، دامنه عمق بیشتری نیز به خود خواهد گرفت و متأسفانه باید گفت که بر میزان تلفات انسانی نیز خواهد افزود.

در سالهای اخیر و لااقل پس از حادثه یازده سپتامبر، مسئله پناهندگی در غرب به

مصاحبه با سیروان قادری مسئول دفتر دفاع از حقوق پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

آزادی زن: با تشکر از قبول این مصاحبه، در روزهای گذشته جنازه چهار پناهجوی ایرانی در هنگام ورود به ایتالیا در یک کامیون کشف شد. و در عین حال تعدادی از پناهندگان ایرانی در یونان بعد از مدتها مبارزه به عنوان پناهنده رسماً پذیرفته شدند. کلا الان اوضاع پناهندگی را چگونه میبیند؟

سیروان قادری: من هم خبر مرگ این پناهجویان را شنیدم. متأسفانه این پناهجویان اولین کسانی نیستند که در راه فرار از جهنم جمهوری اسلامی و مسیر رسیدن به اروپا جان میدهند. با تأسف بیشتر باید گفت که آخرین آن هم نیستند. در نظامی که کلیه مناسبات و قوانین سیاسی و اقتصادی حاکم بر آن بر مبنای سود و بازار حاکمان و دولتهای سرمایه داری و استثمار انسان باشد، قربانیان آن نیز بی دفاع ترین اقشار جوامع هستند. این دست از اتفاقات، بلایا و یا تصادفات طبیعی

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

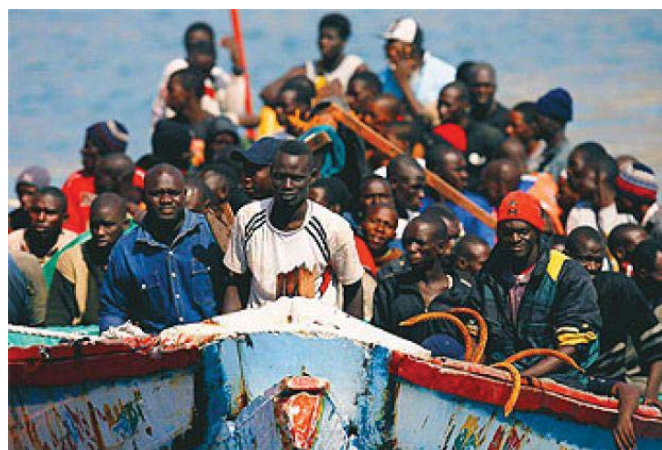


FOTO: REUTERS

این مسیر وارد میشود بسیار زیاد و جبران ناپذیر است. محروم بودن کودکان از حق تحصیل و نبود امکانات بهداشتی و پزشکی برای زنان و کودکان، بازداشت کودکان، تعرض و تجاوز، خشونت خانوادگی و مواردی از این قبیل، نمونه هائی از این ضربات هستند. زنان و کودکان بزرگترین گروه از قربانیان تا کنونی این مسیر هستند. مادامی که نتوان این مسیر را هموار کرد این ضربات را بر پیکر آنها شاهد خواهیم بود. خوشبختانه امروزه شاهد اعتراضات وسیع پناهجویان به سیاستهای دولتهای حاکمه کشورها هستیم و زنان نقش برجسته ای در پیشبرد آن ایفا میکنند. نمونه آن کمپین پناهندگان سیاسی ایرانی در یونان بود که پس از بیش از هفتاد روز تحصن به مطالبات برحقشان رسیدند. تجربه این مبارزه و موفقیت آن را باید به دیگر کشورها انتقال داد. من از این فرصت استفاده میکنم و فراخوان تحزب در امر پناهندگی را بعنوان یک راه کار واقعی جهت مرتفع کردن نیازها و مطالبات پناهجویان میدهم و تمامی آنها را به پیوستن به صفوف حزب اتحاد کمونیسم کارگری و فعالیت در دفتر دفاع از حقوق پناهندگی دعوت میکنم. ■

انسانی برای بازارهای غربی و معادلات و مماشات سیاسی این کشورها با جمهوری اسلامی اتخاذ میشود. به همین دلیل بیش از هر زمانی موجبات آوارگی و سیاه روزی پناهجویان را فراهم کرده است.

آزادی زن: پناهندگی به امری بسیار مشکلتر از همیشه تبدیل شده است. وضعیت زنان و کودکان چگونه است و در این مسیر چه خطراتی آنها را تهدید میکند؟

سیروان قادری: بله کاملاً درست است. دریافت جواب اقامت برای پناهجویان واقعا مشکل شده است و دلیلش را هم مختصراً در بالا توضیح دادم. اما همانطور که گفتم پناهندگی و گرفتن حق اقامت حاصل جدال واقعی بشریت متمدن در تقابل با قوانین غیر انسانی دول غربی است و به پشتوانه این اعتراضات و استمرار آن، امکان دریافت حق اقامت برای پناهجویان، حتی در بدترین شرایط، امکان پذیر بوده و هست. اما زنان و کودکان، خصوصاً زنان تنها، دارای مشکلات ویژه و مضاعفی هستند. درباره موضوع زنان پناهجو و کودکان بحث بسیار فراتر از یک مصاحبه لازم است ولی تا آنجا که به حوصله این سطور بر میگردد باید بگویم ضرباتی که بر آینده و حال زندگی زنان و کودکان در

از این جنبش عظیم اعتراضی است. درست بخاطر وجود این اعتراضات است که دولتهای غربی قادر به نابودی تمام و کمال دست آوردهای انسانی بشریت نشده اند. امر پناهندگی و گرفتن حق اقامت در این کشورها هنوز پدیده ای ممکن و شدنی است. این مبارزات را باید گسترش داد و با تشکل و سازماندهی هرچه بیشتر، تعرض دولتهای غربی را عقب زد. در غیاب این چنین مبارزه ای یک سناریوی سیاه در انتظار پناهجویان خواهد بود. فراریان از جهنم جمهوری اسلامی، راهی بجز حضور در این مبارزات اعتراضی ندارند. این واقعیت را باید درک کرد.

اما به سولتان در خصوص نقش سازمان ملل متحد در زندگی پناهجویان میپردازم. بخش مربوط به پناهندگان سازمان ملل، در تمامی کشورهای هم مرز با ایران، نقش سرنوشت سازی را در زندگی پناهجویان بازی میکند. از قرار معلوم این سازمان قرار است به فریاد فراریان از جهنم جمهوری اسلامی رسیدگی کند و پس از بررسی دلایل خروجشان از ایران آنها را به کشورهای امن که غالباً کشورهای غرب اروپا و شمال آمریکا هستند بفرستد. اما در واقعیت امر تنها درصد بسیار ناچیزی از مراجعین به این سازمان موفق به کسب قبولی و انتقال به کشور امن میشوند. در مقابل هزاران پناهجو در سخت ترین شرایط زندگی میکنند. فقر، بی حقوقی مطلق، بی سوادی کودکان، اعتصاب غذا، خودکشی و دها معضل دیگر گوشه ای از واقعیت زندگی پناهجویانی است که به سازمان ملل مراجعه میکنند. در حقیقت امروزه تصمیمات سازمان ملل متحد در امور پناهندگان از زاویه منافع تامین نیروی

از جمله ترکیه و عراق بسیار وخیم تر است.

واقعیت این است که اعطای حقوق پناهندگی در هیچ دوره ای تابعی از نقض حقوق انسان، فقر، فلاکت و تبعیض در کشورهای اختناق زده و کشورهایی که پناهجویان از آنها می آیند نبوده، بلکه تابع نیاز اقتصادی و البته ابزار سیاسی دولتها در کشورهای پناهنده پذیر بوده است. درست بر همین اساس است که با رفع و یا تغییر این نیازها اوضاع پناهندگی نیز دچار وخامت میشود.

آزادی زن: با توجه به این صحبت ها به نظر میرسد که پناهنده شدن هم اکنون تا حدودی غیر ممکن است. پس میلیونها انسان، که به دلایل گوناگون مجبور به ترک ایران میشوند، چه باید بکنند؟ نقش سازمان ملل را در این مورد چگونه ارزیابی میکنید؟

سیروان قادری: پناهندگی و گرفتن حق اقامت، قبل از هر چیز، حاصل جدال واقعی بشریت متمدن در تقابل با قوانین غیر انسانی دول غربی است. دول غربی امروزه و در بحران جاری سرمایه داری تعرضاتشان به حقوق مدنی انسانها را عریان تر و آشکارتر در دستور کار قرار داده اند و به گونه ای کاملاً سازمانیافته و با استفاده از قوانینی هماهنگ و مشترک با دیگر دولتهای غربی، کمر به نابودی و حذف این حقوق بسته اند. پناهندگی را باید در این چهارچوب دید. جامعه در مقابل تعرض عنان گسیخته سرمایه داری به حقوق انسانیش سکوت نکرده است و مسئله تعیین تکلیف با این دولتها را به خیابانهای پایتخت های بزرگ اروپایی کشانده است. اعتراضات پناهندگی هم بخشی

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!



مذهب زن ستیز است

سخنرانی آذر ماجدی در دانشگاه بریستول

روز سه شنبه ۷ دسامبر ۲۰۱۰ بدعوت انجمن آنتیست های دانشگاه بریستول، آذر ماجدی یک سخنرانی با عنوان زن ستیزی مذهب در این دانشگاه ایراد کرد. آذر ماجدی در این سخنرانی عنوان کرد که تمام مذاهب ذاتا زن ستیز هستند، خشونت را تبلیغ می کنند و گسترش میدهند و از تجاوز بعنوان سلاحی برای به شکست کشاندن "دشمن" شان و پاداش دادن به "سربازان مومن" شان استفاده می کنند. آذر ماجدی آنگاه در مورد اسلام بطور ویژه سخن گفت. او گفت که حجاب سمبل و ابزار به بردگی کشاندن زنان تحت اسلام است. آپارتاید جنسی یک ستون اصلی اسلام است که نه فقط زنان را تحقیر می کند و به بندگی می کشد، بلکه عقب گردهای مهمی به جامعه تحمیل می کند.

او گفت که سازمان آزادی زن برای محکوم کردن آپارتاید جنسی در مجامع بین المللی بعنوان یک نظام ارتجاعی، بمانند آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، مبارزه می کند. او ضمنا در ممنوعیت حجاب دختران زیر سن قانونی صحبت کرد. آذر ماجدی تاکید کرد

که حجاب باید همچون کار کردن کودکان و تنبیه بدنی آنها ممنوع اعلام شود. حجاب حقوق پایه ای کودک را لگد مال می کند. آذر ماجدی همچنین از ممنوعیت برقع در اماکن عمومی بعنوان یک سمبل تمام عیار تحقیر زنان و تبدیل آنها به موجوداتی بدون هویت و بدون چهره دفاع کرد.

آنگاه آذر در مورد جنبش آزادی زن در ایران صحبت کرد و به خیزش اخیر مردم اشاراتی نمود. او از شرکت کنندگان خواست که از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی دفاع کنند. سپس اعلام کرد که تحریم اقتصادی و جنگ دو سلاح کشتار جمعی هستند که قبل از هر چیز مردم را قربانی می گیرند. باید با این دو روش ضد انسانی و ویرانگر مقابله نمود.

سخنان آذر ماجدی با استقبال گرم شرکت کنندگان روبرو شد.

سازمان آزادی زن



علیه آپارتاید جنسی

آپارتاید جنسی یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند و سیاستی شنیع همطراز آپارتاید نژادی است و باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. از اینرو ما خواهان:

۱. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.

۲. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمثابه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم.

۳. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم. به سایت ما با نام و آدرس زیر مراجعه کنید و برای ما نامه بنویسید:

www.againstgenderapartheid.com/

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

شما می توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته دسترسی پیدا کنید.

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن پیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

www.azadizan.net

www.womensliberation.net/english/

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

azadizan@gmail.com

www.azadizan.net

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی:

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن:

آدرس سایت: